فهرست مطالب

[بهتان و افتراء 3](#_Toc406970944)

[عدم شرطیت بلوغ، اسلام و عقل در مفتری علیه 3](#_Toc406970945)

[شرطیت قصد و جدیت در صدق عنوان افتراء 3](#_Toc406970946)

[عدم شرطیت لفظ در افتراء 4](#_Toc406970947)

[شمول حکم افتراء بر مدالیل التزامی 4](#_Toc406970948)

[بحثی در جواز یا عدم جواز بهتان بر اهل بدعت 4](#_Toc406970949)

[وجوه اقامه‌شده بر عدم جواز بهتان بر اهل بدعت 5](#_Toc406970950)

[وجه اول: وحشت و رعب معنای بهتان در روایات 5](#_Toc406970951)

[وجه دوم: ابای نهی از افتراء از تخصیص 5](#_Toc406970952)

[وجه سوم: ثانویه بودن حکم به بهتان بر اهل بدعت در روایت 5](#_Toc406970953)

[کذب علی الله و الرسول و الأئمه 6](#_Toc406970954)

[آیات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه 6](#_Toc406970955)

[روایات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه 6](#_Toc406970956)

[روایت ابی نعمان 7](#_Toc406970957)

[روایت احمد 7](#_Toc406970958)

[روایت عمر بن عطیه 7](#_Toc406970959)

[نکاتی در ذیل بحث 8](#_Toc406970960)

[حکم عقل بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه 8](#_Toc406970961)

[کبیره بودن کذب علی الله و الرسول 8](#_Toc406970962)

[شمول عنوان کذب علی الرسول نسبت به کذب بر ائمه 8](#_Toc406970963)

[عنوان این بحث در قرآن و روایات 9](#_Toc406970964)

[آثار وضعی کذب علی الرسول و الائمه 9](#_Toc406970965)

[بطلان روزه در صورت روزه بودن کاذب 9](#_Toc406970966)

[ثبوت تعزیر 9](#_Toc406970967)

[اقسام کذب علی الرسول 9](#_Toc406970968)

[نسبت کذب در اموری غیر دین 9](#_Toc406970969)

[نسبت کذب در امور دینی 10](#_Toc406970970)

[اطلاق روایات نسبت به هر دو قسم 10](#_Toc406970971)

بسم الله الرحمن الرحيم

# بهتان و افتراء

بحث نوزدهم در مورد بهتان و افتراء است. بهتان و افتراء از مقولۀ کذب است با این تفاوت که بهتان و افتراء اخص مطلق از کذب می‌باشد و به «کذب علی الغیر» اطلاق می‌شود. همان‌طور که در جلسه قبل بیان شد علاوه بر شمول اطلاقات ادله مربوط به حرمت کذب، ادله خاصه‌ای بر حرمت بهتان و افتراء با همین واژگان یا رمی بریء یا امثال این تعابیر وجود دارد که موجب تأکید حرمت افتراء و بهتان می‌شود.

## عدم شرطیت بلوغ، اسلام و عقل در مفتری علیه

بلوغ، عقل، اسلام و ایمان در مفتری علیه و کسی که به او تهمت‌زده می‌شود، شرط نیست بلکه همین‌که این اگر آن کلام را بشنود، ناراحت شود و شانیت ایذاء وجود داشته باشد، در صدق عنوان افترا و بهتان کفایت می‌کند و بیش از این شرط نیست.

## شرطیت قصد و جدیت در صدق عنوان افتراء

همان‌طور که در بحث کذب مطرح شد و به همان دلایل، قصد و جدیت در تحقق و صدق عنوان بهتان و افترا شرط می‌باشد و درصورتی‌که مضمون جمله‌ای قصد نشود مثل‌اینکه در مقام توریه باشد و یا اینکه جدی نباشد، عنوان افتراء و بهتان بر آن کلمات و جملات صدق نمی‌کند و منشأ این عدم صدق هم یا مفهومی است یعنی مفهوم بهتان و افترا بر آن صادق نیست و یا انصراف است البته به این نکته هم باید توجه داشت در این صورت که مفهوم افتراء و بهتان صادق نیست اگر عناوین دیگری مانند ایذاء یا اشاعه فحشا بر جملات و کلماتی که بیان می‌شود، صادق باشد، از باب صدق این عناوین حرمت بعید نیست.

## عدم شرطیت لفظ در افتراء

مطلب دیگری که باید به آن اشاره شود این است که در افتراء مثل کذب لفظ شرط نیست و تنها چیزی که شرط است این است که این نسبتی را که می‌دهد، ابراز شود بأیّ مبرِزٍ سواءٌ کان المبرزُ اللفظ أو الإشاره أو الکتابه و مخاطبی هم وجود داشته باشد که این کلام را بشنود و یا بخواند.

## شمول حکم افتراء بر مدالیل التزامی

به همان دلایلی که در بحث کذب مطرح شد حکم افتراء شامل مدالیل التزامی هم می‌شود. افتراء و بهتان ممکن است به شکل صریح مطابقی متوجه کسی شود و ممکن است مطلبی بیان شود که لازمۀ عرفی و برداشت التزامی عرفی از آن، افتراء باشد که در این صورت هم عنوان افترا و بهتان صادق می‌باشد.

## بحثی در جواز یا عدم جواز بهتان بر اهل بدعت

بحث دیگری که به‌طور اجمال آن را مطرح می‌کنیم و در استثنائات کذب بیشتر از این بحث کنیم، بحث بهتان بر اهل بدعت می‌باشد. در برخی روایات که روایت معتبر هم در بین آن‌ها وجود دارد، تهمت و بهتان به اهل بدعت جایز بلکه به آن امر شده است مانند این روایت **«وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْلَا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَام»**[[1]](#footnote-1) سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا می‌توان به‌ظاهر این حدیث ملتزم شد و مطلب خلاف واقع را به اهل بدعت نسبت داد همان‌گونه که برخی با استناد به این روایات به آن فتوا داده‌اند و یا اینکه بهتان و تهمت حتی در مورد اهل بدعت هم جایز نیست؟

### وجوه اقامه‌شده بر عدم جواز بهتان بر اهل بدعت

#### وجه اول: وحشت و رعب معنای بهتان در روایات

دلیل و وجه اولی که قائلین به عدم جواز تهمت و بهتان به اهل بدعت اقامه کرده‌اند این است مقصود از **«وَ بَاهِتُوهُمْ**» در روایات، تهمت و بهتان و افتراء اصطلاحی نیست بلکه معنای باهتوهم این است که آن‌ها را مدهوش کنید و تحت‌فشار قرار دهید و بترسانید. همان‌طور که در مقاییس اللغه آمده است، معنای اصلی بهت، دهشت و وحشت و رعب می‌باشد و بحثی از نسبت ناروا نیست. (بَهَتَه) یعنی او را مدهوش کرد. در قرآن و روایات نیز به همین معنا به‌کاررفته است مانند **«فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ»**[[2]](#footnote-2) بعد به خاطر اینکه وقتی به کسی نسبت ناروایی داده می‌شود او تکان می‌خورد و شوک به او وارد می‌شود و مدهوش می‌شود به معنای افتراء کذب هم بکار رفته است. این معنای دوم است که تناسبی با همان معنای اول هم دارد. پس این کلمه مشترک لفظی است و دارای دو معنا می‌باشد و معنای دوم که به معنای نسبت ناروا می‌باشد، مقصود از باهتوهم در روایت نیست بلکه معنای اصلی آن‌که به معنای رعب و وحشت است مراد می‌باشد و حداقل این است که در اینکه کدام معنا مراد باشد شک وجود دارد و وقتی شک وجود داشت روایت مجمل می‌شود و نمی‌توان به آن روایت برای جواز بهتان و افترا بر اهل بدعت تمسک کرد.

#### وجه دوم: ابای نهی از افتراء از تخصیص

وجه و دلیل دومی که مطرح‌شده است این است که حتی اگر باهتوهم در روایت به معنای افتراء هم باشد، نهی از افترا یک نهی آبی از تخصیص می‌باشد و به‌عبارتی‌دیگر حکم مستقل عقلی بر حرمت افترا و بهتان وجود دارد و به خاطر حکم عقل و اینکه این حکم به حرمت آبی از تخصیص است به این روایت عمل نمی‌شود و کنار گزارده می‌شود.

#### وجه سوم: ثانویه بودن حکم به بهتان بر اهل بدعت در روایت

وجه و دلیل دیگری که بر عدم جواز افترا بر اهل بدعت بیان‌شده است این است که امر به بهتان و افترا در روایت به‌عنوان اولی نیست بلکه به‌عنوان ثانوی و در مقام تزاحم می‌باشد به این بیان ‌که دفع بدعت و جلوی نفوذ بدعت را گرفتن تکلیف است و راه این دفع بدعت، افترا و تهمت زدن به بدعت کننده می‌باشد که در این مقام، شارع امر به افترا بر اهل بدعت به جهت جلوگیری از بدعت کرده است.

البته ذکر این نکته لازم است که وجه و دلیل دوم و سوم که ذکر شد قابل‌اطمینان نیست و در آن تردید وجود دارد ولی وجه اول بعید به نظر نمی‌رسد. در باب استثنائات باب کذب به‌تفصیل به این مطلب پرداخته خواهد شد.

# کذب علی الله و الرسول و الأئمه

بحث بیستم بحث کذب علی الله و الرسول والأئمه می‌باشد که نسبت آن با کذب عموم و خصوص مطلق می‌باشد. علاوه بر ادله مطلقی که در باب کذب وجود دارد، به‌طور خاص آیات و روایاتی وجود دارد که بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه دلالت دارند.

## آیات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه

اکثر آیاتی که در آن مفهوم «افتراء» آمده است مانند «**مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً**»[[3]](#footnote-3) یا قریب به این مضمون به‌صورت واضح دلالت بر عتاب و خطاب و حرمت مؤکد این امر می‌کند و وعده‌های عذاب هم داده‌شده است که در کبیره بودن کذب علی الله، هیچ شکی نیست.

## روایات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه

روایات دال بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الأئمه در کتاب العشره باب 139 که عنوان باب هم تحریم الکذب علی الله و علی رسوله و علی الأئمه، کتاب الصوم باب دوم از مفطرات، باب 14 صفات قاضی و باب 46 جهاد النفس آمده است که به چند روایت اشاره می‌کنیم.

### روایت ابی نعمان

**«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي النُّعْمَانِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَا أَبَا النُّعْمَانِ لَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا كَذِبَةً فَتُسْلَبَ الْحَنِيفِيَّةَ- وَ لَا تَطْلُبَنَّ أَنْ تَكُونَ رَأْساً فَتَكُونَ ذَنَباً- وَ لَا تَسْتَأْكِلِ‌ النَّاسَ بِنَا فَتَفْتَقِرَ- فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ لَا مَحَالَةَ وَ مَسْئُولٌ- فَإِنْ صَدَقْتَ صَدَّقْنَاكَ وَ إِنْ كَذَبْتَ كَذَّبْنَاكَ.**»[[4]](#footnote-4) در این روایت که معتبر هم می‌باشد امام می‌فرماید یک دروغ هم به ما نبند که اگر دروغی بستی تو از دین خارج شدی. دنبال ریاست نرو که اگر طلب ریاست کردید تو دنباله‌رو خواهی شد، دُمی خواهی شد، طلب ریاست این‌طور است ما را وسیله زندگی خود قرار نده که موجب فقر تو می‌شود.

### روایت احمد

**«وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذُكِرَ الْحَائِكُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ مَلْعُونٌ فَقَالَ- إِنَّمَا ذَلِكَ الَّذِي يَحُوكُ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ ص.»[[5]](#footnote-5)** حضرت فرمود حائک» ملعون است. بعد فرمود حائک که اینجا می‌گوییم یعنی: **الَّذِي يَحُوكُ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ صلی‌الله علیه و آله.**

### روایت عمر بن عطیه

**«وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ يَا أَخَا أَهْلِ الشَّامِ- اسْمَعْ حَدِيثَنَا وَ لَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا- فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيْنَا فِي شَيْ‌ءٍ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص- وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَدْ‌كَذَبَ عَلَى اللَّهِ- وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ عَذَّبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.»[[6]](#footnote-6)**

این روایات هم به خوبی بر حرمت دلالت دارند.

## نکاتی در ذیل بحث

به‌طور گذرا و اجمال به نکاتی در ذیل این بحث اشاره می‌کنیم.

### حکم عقل بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه

کذب همانند افترا دارای مراتب می‌باشند و به اختلاف شرایط و موقعیت‌ها درجه و تأکد حرمت آن‌ها متفاوت می‌باشد، اینکه چه کسی دروغ بگوید و یا تهمت بزند؛ آدم عادی باشد یا راوی عالمی باشد. اینکه این تهمت به چه کسی متوجه شود؛ به یک شخص خیلی معمولی یا به یک پیامبری یا به خدا؟ حتماً این درجاتش فرق می‌کند. اگر هیچ دلیل لفظی هم نداشتیم می‌گفتیم تهمت علی الله خیلی مهم و حرمت آن مؤکد است؛ سوم اینکه مضمون تهمت چه باشد؟ امر خیلی معمولی باشد یا اینکه چیزی که از دین نیست، به شارع نسبت دهد. این امر خیلی قبیحی است، قبح این از هر چیزی بالاتر است، تصرف در دین دارد می‌کند؛ و اینکه در چه موقعیتی هم بگوید همین‌جور اثر دارد. پس اگر حتی ادله خاصه هم بر حرمت کذب علی الله و الرسول و الائمه نبود این حرمت و تأکد آن به‌حکم عقل و ارتکاز عقلایی واضح بود. و این مطلب موجب تأکید روایات می‌باشد.

### کبیره بودن کذب علی الله و الرسول

نکته و مطلب دوم این است که اگر در کبیره بودن کذب شبهه‌ای وجود داشته باشد، در کبیره بودن «کذب علی الله» شبهه‌ای نیست چون بر کذب علی الله در قرآن مکرر و متعدد وعده‌های عذاب آمده است.

### شمول عنوان کذب علی الرسول نسبت به کذب بر ائمه

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که عنوان کذب علی الله و الرسول که در قرآن آمده است به برکت روایات وارده که به آن‌ها اشاره شد شامل کذب علی الائمه هم می‌شود و بعید نیست که این مطلب شامل افترا و کذب بر حضرت زهرا با توجه به درجات آن حضرت و حجیت قول و سیره ایشان، هم بشود. اما این عنوان شامل سایر علما و اصحاب و بزرگان نمی‌شود هرچند دروغ بر آن‌ها هم چه‌بسا با توجه به ذو مراتب بودن کذب، کبیره محسوب شود اما درهرصورت عنوان کذب علی الله و الرسول شامل آن‌ها نمی‌شود.

.

### عنوان این بحث در قرآن و روایات

مطلب و نکته چهارم این است که غالباً در روایات، عنوان کذب علی الله و علی الرسول آمده است. در قرآن معمولاً همان عنوان افتراء آمده است. و لذا بحث شامل هر دو عنوان کذب و افتراء می‌شود.

### آثار وضعی کذب علی الرسول و الائمه

نکته و مطلب پنجم این است که کذب علی الله و علی الرسول و الائمه برخلاف کذب مطلق علاوه بر حرمت و کبیره بودن معصیت آن، دارای احکام وضعی هم می‌باشد.

#### بطلان روزه در صورت روزه بودن کاذب

یکی از آثار وضعی کذب علی الله و کذب علی الرسول و الائمه این است که موجب بطلان روزه شخص کاذب درصورتی‌که در حال روزه عمداً و با قصد این دروغ را بگوید می‌شود که احادیث در این رابطه در کتاب الصوم آمده است.

#### ثبوت تعزیر

حکم وضعی دیگری که ثابت است این است که افتراء و به‌خصوص کذب علی الله و الرسول و الائمه که از گناهان کبیره است و تقریباً ثبوت تعزیر بر گناهان کبیره مسلم می‌باشد، موجب ثبوت تعزیر می‌شود.

### اقسام کذب علی الرسول

کذب علی الرسول و الائمه دو قسم است.

#### نسبت کذب در اموری غیر دین

یک قسم این است که چیزی را به پیامبر و الائمه نسبت دهد که جزء دین نیست مانند اینکه ایشان فلان کار را انجام داد و یا اینکه مثلاً چند همسر داشت و یا اینکه خانه ایشان چگونه بوده است.

#### نسبت کذب در امور دینی

گاهی نیز کذب و افترا در امور دینی و چیزی که مربوط به دین می‌باشد، صورت می‌گیرد و به ایشان از باب اینکه شارع و یا مبلغ عن الله هستند دروغ نسبت داده می‌شود.

#### اطلاق روایات نسبت به هر دو قسم

سؤالی که وجود دارد این است که ادله و روایات کذب علی و علی الرسول هر دو قسم را می‌گیرد یا فقط قسم دوم را می‌گیرد؟ هرچند قدر متیقن همه روایات قسم دوم است اما بعید نیست گفته شود بعضی از روایات، مطلق می‌باشد. اما در مورد قسم دوم علاوه بر اینکه هم ادله مطلق کذب و هم ادله مطلق افتراء و هم ادله‌ای که دال بر حرمت مطلق کذب و افتراء علی الله و الرسول است شامل آن می‌شود روایات خاصه‌ای وجود دارد که دال بر حرمت کذب علی الرسول در امور دینی می‌باشد.، مضاف بر این عناوینی مانند بدعت هم شامل قسم دوم می‌شود و از این باب هم حرام می‌باشد.

البته وجوه دیگری هم برای بحث وجود دارد مانند اینکه آیا این روایات شامل کذب و افترا بر پیامبر و رسول و ائمه قبل از دوران پیامبری و امامت این بزرگواران هم می‌شود یا خیر و اینکه آیا این نوع کذب مفطر است یا خیر؟ که بعید نیست بگوییم ادله شامل این نوع کذب علی الرسول هم می‌شود. که به آن نمی‌پردازیم.

1. - وسایل الشیعه ج‏16 ص 267 [↑](#footnote-ref-1)
2. بقره / 258 [↑](#footnote-ref-2)
3. الأنعام‏ / 21 [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشيعة؛ ج‌12، ص: 247 [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشيعة؛ ج‌12، ص: 248 [↑](#footnote-ref-5)
6. همان [↑](#footnote-ref-6)